

پول



اریک لونرگن

ترجمه احد علیقلیان

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران - ۱۳۹۵

پول

ترجمه احد علیقلیان

از Money

by Eric Lonerган

2nd edition, 2014

فرهنگ نشر نو تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم،
(شهید جنتی)، پلاک ۱۳ - تلفن: ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ اول، ۱۳۹۵

شمارگان ۱۱۰۰

ناظر چاپ بهمن سراج

طراح جلد محمد جهانی مقدم

چاپ مافی سپیدار

بیتوگرافی باختر

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه

لنرگان، اریک. Lonerган, Eric

سرشناسه

پول، جنیبه‌های روانشناسی؛ پول، جنبه‌های اجتماعی؛

عنوان و نام پدیدآور

ترجمه احد علیقلیان

تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۵.

مشخصات نشر

۱۹۲ ص

مشخصات ظاهری

978-602-7439-98-2

شابک

بر اساس اطلاعات

فهرست‌نویسی

Money

عنوان اصلی

کتابنامه: نمایه

یادداشت

پول: جنبه‌های روانشناسی؛ پول: جنبه‌های اجتماعی؛

موضوع

مصرف‌کنندگان؛ نگرشها؛ سیاست اقتصادی

الف. علیقلیان، احد، ۱۳۳۸، مترجم.

شناسه افزوده

ب. عنوان: پول

۱۳۹۴ پ ۹ / ۳ / ۲۲۲ HG

رده‌بندی کنگره

۳۳۲/۰۲۴۰۱

رده‌بندی دیویی

۴۱۳۸۳۹۹

شماره کتابشناسی ملی

مرکز پخش آسیم

۸۸۷۴۰۹۹۲-۴

تلفن و دورنگار

۱۴۰,۰۰۰ ریال

بها:

— فهرست مطالب —

مقدمه هفت

۱. پول چاپ کنید ۱

وابستگی متقابل ۱

۲. اخلاق پول ۱۳

۳. پول جهانی ۳۳

بان و پول

۴. خرویشتر های آیند . . . مگرانی

و احساسر گناه . . . دیر ۴۹

۵. مهار آیند ۷۱

۶. پول دیگر ۹۵

اندازه گیری

۷. پول اندازه گیری می کند ۱۰۵

افسون پول

۸. مقدس و نامقدس ۱۲۹

وابستگی متقابل ۲

۹. روی دیگر سکه ۱۳۷

۱۰. پول ۱۵۹

برای مطالعه بیشتر ۱۶۷

منابع ۱۷۲

— مقدمه —

روز هم اولین اسکناس یک پوندی ام را به یاد دارم. هشت نه ساله بودم. خانه مان در خیابانی بن بست در دابلین بود و با دوستانم در گوشه و کنار خیابان پرسه می زدیم. آن روز برادر بزرگ یکی از دوستانم هدیه ما بود و او که می آمد سر بسته ما می شد. ما به طور غریزی برای جلب حمایت او رقابت می کردیم. یادم هست که اسکناس را با دقت و مراقبت و ترسکی از جیب بیرون کشیدم طوری که یک سوم آن پیدا بود. با آن خیره چشمش به آن افتاد: «هی، لونرگن یک اسکناس یک پوندی داره» که شدم برای جلب توجه توی چشم می زد، برای همین سر به سر گذاشتند اما برای مدت کوتاهی ارج و قربم پیش او بالا رفته بود. به حال یک پوند پول داشتم.

حالا بیست سال بعد از آن در یک بانک مایه گذاری در لندن کار می کنم، دنیایی که کانون آن پول است. تعجب می کنیم و در مورد کسب سود بیشتر به مشتریان مشورت می دهیم. ذکر و ذکر بسیاری از همکارانم این است که چه قدر حقوق می گیرند و آن را با حقوق هم تایان خود مقایسه می کنند. برای من هم مهم است که چه قدر پول درمی آورم، اما بیشتر از کارم لذت می برم. سیفته اینم که بدانم ارزش پول و قیمت اوراق بهادار و سهام به چه دلیل نوسان می کند. هیجان انگیز است و فکر آدم را به کار می اندازد. هرچه تعداد مشارکت کنندگان بیشتر باشد به همان اندازه هم تعامل شان کمتر جنبه شخصی دارد. بازار افراد بسیاری را به هم

پیوند می‌دهد و برای همین جنبهٔ انتزاعی و کمی دارد. اما این پیوند همیشه انسانی‌ست. روحیه و نگرش‌ها ممکن است به سرعت تغییر کنند.

در مواقع نادر کاری که می‌کنم تصویری گذرا از آینده‌ای تاریک به من می‌دهد. و بعد احساس بیهودگی می‌کنم. بازار مشکلات را پیش‌بینی می‌کند، مثل زنگ خطری که پیش از آتش‌سوزی به صدا در می‌آید. می‌بینم چه اتفاقی دارد می‌افتد اما کاری از دستم بر نمی‌آید. در دورهٔ بحران آسیا هم چنین احساسی داشتم. این بحران به سرعت یک مشکل نظری آغاز شد: بحثی اسرارآمیز در اقتصاد جهانی بر سر مزیای نسبی نرخ مبادلهٔ ثابت یا شناور. کاهش پی‌درپی نرخ برابری ارز در تایلند سرانجام سقوط آن را در ژوئیهٔ ۱۹۹۷ شاهد بخشید. مشاهدهٔ گسترش هراس قابل پیش‌بینی از یک کشور آسیایی به دشواری دیگر مانند تماشای آینده به صورت حرکت آهست بود رکوی که در پی آن آمد پیامدهای اجتماعی و انسانی گزاف داشت. سدونزی، یکی از کشورهای بسیار فقیر و پرجمعیت منطقه، این رکب به کشته شدن شاید هزاران چینی‌تبار در شهرهای جاکارتا و سبوی و اندکی بعد به سقوط دیکتاتوری سوهارتو انجامید. من آن‌ها را از دور تماشا می‌کردم. مرتباً برای دیدار با سیاست‌گذاران و محققان به این منطقه سفر می‌کردم اما محل زندگیم آنجا نبود.

در ۱۰ اکتبر ۲۰۰۸، خاطرهٔ بحران آسیا زنده شد. این بحران و هراس جدی‌تر بود، چنان که ترس از ورشکستگی مالی و زلزله نظام مالی غرب را فراگرفت. آن روز این خطر واقعی احساس می‌شد که نظام پولی نگه‌دارندهٔ دنیای توسعه‌یافته فروبریزد. سازوکار پرداخت که واسطهٔ بیشتر شکل‌های تعامل اجتماعی است با خطر از کار افتادن روبه‌رو بود.

این اتفاق چه گونه رخ می دهد: پول و بانکداری و بهای اسناد مالی چه گونه ممکن است ثبات اجتماعی را به خطر بیندازد؟ در این کتاب می کوشم به این سؤال پاسخ دهم. با این پاسخ چیزهای بسیار بیشتری را درباره پول آشکار خواهم ساخت. پول به رغم نقش محوری اش در زندگی و چوابع ما بسیار اندک شناخته شده است. بسیاری از نگرش ها و باورهای ما درباره وام و پس انداز و بازارهای مالی وضعی چندندان بهتر از پیش داوری ها یا ارزش داری های آشفته که به دلایلی صدها سال دوام آورده اند ندارد. علم اقتصاد بخشی از این آشفتگی را از بین می برد اما خود کاستی های دارد. علم اقتصاد بسیاری از مهم ترین ویژگی های پول را نادیده می گذارد: بهای و قیمت ها چه گونه بر باورها و ارزش ها و احساسات ما تأثیر می گذارد؟ در علم اقتصاد، پول وسیله ای است در خدمت اهداف ما هرگز مستقلاً بر ما تأثیری نمی گذارد.

به همین دلیل در متون علمی اقتصادی از توضیحات قانع کننده درباره رکود و هراس اثری نیست. اساساً در علم اقتصاد چنین فرض می شود که مردم عقاید خود را بر اساس ارزیابی عینی از واقعیت ها شکل می دهند: فرض بر این است که خود فرایند مبادله یا تعامل اجتماعی بر ما تأثیر نمی گذارد. نتیجه من در زمینه روان شناسی انسان با این فرض فرق بسیار دارد. من عقل را موهبتی می دانم که ما از آن برخورداریم و توان روشمندی دارد، اما غالباً از آن غافلیم و به زحمت آن را به کار می بریم. حتی که شرایط یا توان ما ظرفیت تعقل ما را محدود می کند، باز هم توان عمل کردن داریم. ما به حساب های سرانگشتی روی می آوریم که ممکن است در حد متعارف یا در شرایطی بسیار متفاوت با شرایط زندگی مان کارساز باشد. مبادله، قیمت ها و نیروهای اجتماعی تأثیری غالب بر باورها و خواسته های ما می گذارد. این نکته به ویژه

در بازارهای سرمایه چشمگیر است - بازارهای مستغلات و سهام و اوراق بهادار - اما در سطحی بسیار کلی تر نیز چنین است. گروه‌ها نیز درست همانند افراد در ساختن و پرداختن باورها نقش دارند. ما با تقلید رفتار دیگران می‌آموزیم. تقلید و اشتراک نظر نوعی وفاداری ضمنی ایجاد می‌کند. این کار نوعی بیمه نیز هست. اگر مستقل تصمیم بگیرید تقصیر فقط به گردن خودتان می‌افتد.

بیش از دو هزار سال پیش، ارسطو مرزی کشید میان کاربردهای «ضروری و پذیرفته شده» پول و آن کاربردهایی که پول برای آن اخراج نشده بود و «به حق تقیب می‌شد» (میاست، ۱۲۵۸ الف ۳۸). این تمایز همچنان برجاست. بسیاری از پیامدهای ناخواسته پول زیان بار است. مانند تأثیراتش بر عزت نفس و منزلت ما و این که چه گونه به دیگران ارجح می‌نهم و با آنان رفتار می‌کنیم. اما درک ارسطو از کاربردهای پول سرمایه مانند درک اکثر مردم محدود بود. ارسطو نخستین نمونه دیدگاه آشفته و متعصبانه درباره قرض را به دست می‌دهد زیرا وی کارکرد و سودمندی پول را نمی‌شناخت. وانگهی مسأله بر سر این نیست که همه آثار پیش‌بینی نشده پول ویرانگر است. بخش پیامدهای مطبوع بسیار ژرف تر پول از روی غرض اصلی آن استوار است.

علم اقتصاد توصیف محدودی از کارکرد پول به دست می‌دهد: گنجینه ثروت، واحد محاسبه و واسطه مبادله عبارت «واسطه مبادله» این مسأله را که چرا انسان به پول اهمیت می‌دهد به طرز عجیبی دست کم می‌گیرد. ما برای رفع نیازهای مان و تأمین زندگی خود و خانواده مان مبادله می‌کنیم. برای همین است که بیشتر مردم دنیا فکرشان متوجه پول است. این همان کارکرد اصلی پول است که ارسطو آن را «ضروری» می‌نامد. این کارکرد غرض اصلی پول را توضیح می‌دهد اما کار دیگری نمی‌کند. در این باره

که پول چه گونه ممکن است جوامع برخوردار از آرامش و پیوند میان نسل ها را ایجاد کند، خطرپذیری را روا بدارد، و بر حس منزلت ما چیره شود یا جتن و هراس بیافریند چیزی به ما نمی گوید. برای توضیح این تأثیرات نگاهی خواهم کرد به چهار خصلت فلسفی پول: وابستگی متقابل، مهار آینده، اندازه گیری، و افسون.

وابستگی متقابل شاید مهم ترین ویژگی پول باشد. پول بی ارزش است مگر آن که دیگران آن را به رسمیت بشناسند و بپذیرند. پول یک قرارداد اجتماعی است، شاید مهم ترین قرارداد اجتماعی خاص جوامع امروزی. تقسیم کار و نظام های مالی و تجارت - روابط پیچیده و پر از جزئیات میان مردم - همگی به پول وابسته است. این ها با تأثیرات خود بر بهره وری مان ما را از کمبود می رهانند. در سرتاسر سیر تحول سازمان اجتماعی، از قبایل خانواده محور شکارچی-گردآورنده عدا تا دواکری های بازار امروزی، مراقبت از دیگران نیازمند مازاد منابع بوده است: نوعی پس انداز. مازاد باید در سطح فردی یا جمعی وجود داشته باشد تا کسانی را که نیازمند یا بدبخت هستند تأمین کند. ریشه های مردم داری اختی پول و اعتبار عبارت است از عمل مشارکت و مراقبت. منابع برای بسیاری از کارکردهایی که خانواده های گسترده و قبایل بزرگ داشته داشتند جایگزینی رسمی فراهم می کند که به همان اندازه برای جوامع بزرگ و پیچیده نیز حیاتی است.

اما مبادله صرفاً مازاد ایجاد نمی کند؛ در طول تاریخ آن جا که نزاعی در کار بوده است، مبادله پادرمیان گذاشته است. بازارها و پول جایگزینی برای جنگ و خشونت در تعامل ما با بیگانگان و دیگر قبایل و فرهنگ ها فراهم می آورد. جرعه جنگ و ستیزه را معمولاً تقاضای رقبا برای منابع کمیاب می زند و جنگ بر ضد

کسانی به راه می افتد که آنان را نمی شناسیم یا دوست شان نداریم. مسلماً بهتر است برای تصمیم گیری در مورد توزیع منابع کمیاب از قیمت استفاده کنیم نه خشونت. پول و امور مالی و تجارت وابستگی متقابل بی سابقه ای میان افراد و ملل پدید آورده است. ما اکنون به دیگرانی وابسته ایم که شاید دوست شان نداشته باشیم، و از آنجا که منافع مان دوسویه و برهم منطبق است، انگیزه داریم که با آنها، گرچه به شیوه ای غیر شخصی، همکاری کنیم.

پول از دل رسوم مبادله پیشکش ها که در جوامع قبیله ای ساده متداول بود پدید آمده است. این رسوم در خدمت کارکرد اقتصادی مبادله است اما دوسویه است و گروه ها را با هم متحد می سازد. پول نیز در سیستم کار بسیار پیچیده که از گستره ای جهانی برخوردار است کارکردن مشابه دارد. آن «پیشکش» که انگیزه ای برای همبستگی دو ملت داشته و بزرگ دنیا، یعنی چین و ایالات متحده، ایجاد می کند مبادله صادرات چین با اوراق بهادار دولتی امریکا است. ناگزیر چون گسره و پیچیدگی سازمان اجتماعی بیشتر شده است، بخش عمده اعتقاد به دوستی و وفاداری شخصی را که اساس نخستین آیین های مبادله پیشکش ها است از دست داده ایم، اما پول ما را به هم پیوند می دهد و منافع ما را با حد بی سابقه ای دوسویه و منطبق با هم می گرداند. ما پیش از این زمان دیگری به کسانی که نمی شناسیم وابسته ایم.

پول در ساختار نهادی جوامع ما از موقعیت یگانه برخوردار است، زیرا نقش مشابهی در سطح ملی و بین المللی دارد. این با قانون تفاوت دارد. در دموکراتیک ترین کشورها، همه به یک اندازه تابع قانون هستند. قانون ملی منصفانه است زیرا مرجعی مستقل آن را اجرا می کند. قانون بین المللی فاقد قدرت اجرایی مستقل است، برای همین ابزار دست قدرتمندان می گردد و مشروعیت خود را از

دست می‌دهد. در نظام پولی و مالی ما چنین مرز ملی وجود ندارد. تقسیم بین‌المللی کار و تجارت و سرمایه به هر کجا که برود، وابستگی متقابل ما را افزایش می‌دهد. اما وابستگی متقابل بسیار پیچیده نیز پیش شرط بی‌تابی اقتصادی همبسته است. اجتناب و کاستن از آن دشوار نیست، اما نیازمند درک و نگرش بهتر ما نسبت به پول است.

پنهان‌ترین کارکرد پول، مهار آینده است. ما می‌کوشیم تا عدم قطعیت را در زندگی مان کاهش دهیم. اگر به فراخور این حقیقت که چه قدر کم می‌دانیم بیندیشیم و عمل کنیم زندگی قابل تحمل نخواهد بود. پول ایده بسیار نامطمئن است و پر از مخاطره. پول وسیله‌ای است که می‌رانیم با آن آینده را مهار کنیم. اما این ویژگی تناقض آمیز نیز هست. انسان‌ها آرزوی قطعیت را در سر دارند. اما مخاطره آنان را به سبب پول می‌آورد. پول این آرزو را به نحوی دلدیر از طریق خطرپذیری مبتکانه سرمایه‌آزمایی برآورده می‌سازد و قمار با سرمایه قرضی را آسان می‌گرداند. شگفت آن‌که در این پیوند با عدم قطعیت و مخاطره، پول با دین و اشتراک دارد. دین نیز در پی برآورده ساختن این آرزوهاست. گام دیگر، هدف یا آینده ما و عده قطعیت می‌دهد اما جاذبه غریزی را و خطرپذیری را نیز دنبال می‌کند.

سومین ویژگی پول اندازه‌گیری است. این کارکرد را درجه به غرض اصلی پول - یعنی محاسبه و مبادله - ضربه می‌زند اما موجب فساد و آشفتگی نیز می‌شود. پول بعضی چیزها را بسیار دقیق اندازه‌گیری می‌کند، مثلاً فروش فروشگاه‌های بزرگ و ترازهای مالی را؛ و در اندازه‌گیری چیزهای دیگر نیز نهانی مداخله می‌کند: مانند منزلت اجتماعی، احساس رفاه یا خوشبختی. ما می‌کوشیم چیزهایی را اندازه‌گیری کنیم که قابل اندازه‌گیری نیست،

مانند خطر، و اندازه‌گیری بسیاری چیزهای دیگر را به هم می‌ریزیم، مانند ارزش کوشش انسان.

چهارمین ویژگی پول افسون آن است. جاذبه پول را سخت می‌توان به نحوی دقیق مشخص کرد. این جاذبه‌ای زیباشناختی نیست و نمی‌توان فقط بر پایه سودمندی پول آن را توضیح داد. این جاذبه یقیناً پیامد همه ویژگی‌های پول است، اما در عین حال چیزی مستقل است.

کارکردهای قدرت‌بخش و دستگیرانه پول اکنون بیش از هر زمان دیگری به نظر می‌آید، اما این هدف اساسی غالباً پنهان است و چیزی نیست که فکر ما را به خود مشغول دارد. وقتی که به پول می‌اندیشیم این اندیشیدن معمولاً با نگرانی همراه است؛ پول ما را به یاد نگرانی، سرقت اجتماعی، آزمندی، مادی‌گرایی، بی‌ثباتی مالی و رکود می‌اندازد. نظام مالیات و قوانین به بسیاری از تأثیرات زیان‌بار پول و بازار، هر چند باطل و ناقص، می‌پردازد. اما باید باورهايمان را هم تغییر دهیم. سرزنش می‌ما در مورد هدف قرض، پس‌انداز، تجارت، و مبادله در بسیاری از عیوب و خطاهای ما، و در آن دسته از رفتار ما، که نقض عرف است، دخیل است. علت این‌که چرا هنوز هم سیاست‌های ما برای مبادله، رکود ضعیف و ناکارآمد باقی مانده است خلف فهم نداشتن است. باید به سرعت پایان یابد و هزینه اندکی تحمیل کند.

درک کامل ظرفیت پول در ایجاد بی‌ثباتی اجتماعی را به سرفروش اجتماعی نیازمند آگاهی ما از چگونگی تأثیر فردی و جمعی این چهار ویژگی پول است: وابستگی متقابل، مهار آینده، اندازه‌گیری، و افسون. اما پیش از بررسی دقیق‌تر این ویژگی‌ها باید درک روشنی داشته باشیم از این‌که پول دقیقاً چیست و از کجا می‌آید. پول بسیار ساده به وجود می‌آید و از میان می‌رود و همین مایه

شگفتی است. دانستن منشأ پول به توضیح ظرفیت آن برای ایجاد بی ثباتی و این که چرا فرونشاندن وحشت تا این حد آسان است کمک می کند؛ و فرونشاندن وحشت زیادی آسان به نظر می رسد. می کوشیم مشخص کنیم که چرا در برابر دنبال کردن راه حل های بسیار سراسر است و بی هزینه برای وحشت مالی و رکود مقاومتی چنین سرسختانه نشان داده می شود. به دلایلی نمی توانیم عاقلانه عمل کنیم و این هم برای همه و هم برای دیگران هزینه گزافی در بردارد.